

The Structural and Functional Cycle of Public Diplomacy in Iran's Foreign Policy

Hadi Akhondi Ne'matabad¹, Ebrahim Mottaqi², Reza Shirzadi³

¹ Ph.D., International Relations, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. hadiakhondi63@gmail.com

² Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**). emottaghi@ut.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Shirzadi2020@yahoo.com

Abstract

The present study aims to examine the structural and functional cycle of public diplomacy in Iran's foreign policy. The research is based on the hypothesis that "the structural and functional cycle of Iran's public diplomacy is shaped by the inspiration and institutions of public diplomacy of the Islamic Republic, focused on exporting the revolution." This study employs the soft power, identity, and public diplomacy approach of John Milson. The results indicated that after the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), Iran's public diplomacy was influenced by international pressures and strategic limitations. Each foreign policy agent in Iran attempted to create the necessary conditions for employing cooperative mechanisms with international politics, resulting in the formation of three discourses: "representations," "symbols," and "executive rules" in the JCPOA and post-JCPOA context. Each discourse possessed the necessary capability to influence the public diplomacy mechanisms of Iran's foreign policy in the interactive action space. In the post-JCPOA environment, Iran's public diplomacy was based on multilateral action mechanisms. In this process, Iran's efforts were aimed at minimizing the economic threats arising from the re-imposition of post-JCPOA sanctions, which significantly impacted Iran's political economy space.

Keywords: Public diplomacy, Iran's foreign policy, JCPOA, Foreign relations, International relations.

Received: 2023-02-19 ; Received in revised form: 2023-03-12 ; Accepted: 2023-04-04 ; Published online: 2023-12-21

<https://doi.org/10.22034/SM.2023.1989956.2036>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران

هادی آخوندی نعمت‌آباد^۱، ابراهیم متقی^۲، رضا شیرزادی^۳

^۱ دکتری، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
hadiakhondi63@gmail.com

^۲ استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
emottaghi@ut.ac.ir

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
Shirzadi2020@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که «چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی ایران را الهام‌بخشی و نهادهای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی، معطوف به صدور انقلاب شکل می‌دهد». در تبیین پژوهش از رهیافت قدرت نرم، هویت و دیپلماسی عمومی جان میلسن استفاده شده است. نتایج نشان داد دیپلماسی عمومی ایران بعد از برجام، تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های راهبردی قرار گرفت و هر یک از کارگزاران سیاست خارجی ایران تلاش کردند تا زمینه لازم برای به کارگیری سازوکارهای همکاری‌جویانه با سیاست بین‌الملل را فراهم آورند، که این امر منتج به شکل‌گیری سه گفتمان «بازنمودها»، «سمبل‌ها» و «قواعد اجرایی» در فضای برجامی و پس‌برجامی شد، و هر یک در سازوکارهای دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران از قابلیت لازم برای اثرگذاری در فضای کنش ارتباطی با الگوی تعاملی برخوردار بود. در فضای پس‌برجامی، دیپلماسی عمومی ایران مبتنی بر سازوکارهای کنش چندجانبه بوده است. در این فرایند، تلاش ایران برای حداقل‌سازی تهدیدات اقتصادی ناشی از اعاده تحریم‌های پس‌برجامی شکل گرفت و تأثیر خود را در فضای اقتصاد سیاسی ایران به‌جا گذاشت.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی ایران، برجام، روابط خارجی، روابط بین‌الملل.

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از خروج آمریکا از برجام» است.
استاد به این مقاله: آخوندی نعمت‌آباد، هادی؛ متقی، ابراهیم؛ شیرزادی، رضا (۱۴۰۲). چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی

ایران. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ص ۳۱۷-۳۳۸. <https://doi.org/10.22034/SM.2023.1989956.2036>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.psas.ir>

© نویسندگان

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

سیاست خارجی ایران براساس نشانه‌هایی از مقاومت شکل گرفته است. مفهوم و سازوکارهای کنش معطوف به مقاومت در هر دوران تاریخی دارای نشانه‌های خاص مربوط به خود است. نشانه مقاومت سیاست خارجی ایران در ساختار دوقطبی و براساس سازوکارهای «نه شرقی و نه غربی» شکل گرفت. جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در این دوران تاریخی مبتنی بر «عدم تعهد رادیکال» بوده است. در ساختار بعد از جنگ سرد، نشانه‌های مقاومت در سیاست خارجی ایران بازتولید شد. هرگاه مفهوم سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد، لازم است تا موضوعاتی همانند منافع ملی تبیین گردد. سیاست خارجی به معنی دنبال کردن اهداف کشور در محیط بین‌المللی و در رابطه با جوامع، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی، راهنمای موضع‌گیری در جهان است و مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آن‌ها را شامل می‌شود. علاوه بر آنکه سیاست خارجی کشورهای مختلف، با هم متفاوت است؛ سیاست خارجی یک کشور در طی زمان، می‌تواند تغییر کند.

در تعریف سیاست خارجی قالب‌های ادراکی و تحلیلی مشخصی وجود ندارد. برخی ممکن است سیاست خارجی را فقط مربوط به فعالیت‌های وزارت امور خارجه بدانند، یا آن را به فعالیت‌ها و تصمیمات کنشگران دولتی در حوزه سیاست حاد محدود کنند، که بیشتر به مسائل امنیتی و سیاسی گره خورده است. برخی نیز، می‌توانند تعریفی گسترده از سیاست خارجی داشته باشند که شامل کنشگران غیردولتی و موضوعات مربوط به عرصه سیاست ملایم مانند محیط زیست و اقتصاد می‌شود. سیاست خارجی در چارچوب دولت‌محور شامل دو عنصر «اهداف ملی» که باید به دست آیند و «ابزار» رسیدن به آن اهداف، تعریف می‌شود. روابط در سیاست خارجی در ابعاد فراملی و غیردولتی نیز دنبال می‌گردد. ممکن است در این نوع روابط یک کنشگر رسمی و دولتی و در دیگر سو، یک کنشگر غیردولتی و فراملی حاضر باشد. در چنین شرایطی ابزار نیل به ارتباط خوب و مؤثر، متفاوت با شیوه‌های رسمی است؛ که در چارچوب دیپلماسی‌های عمومی و فرهنگی تبیین می‌گردد (Zach, 2021: p.16).

۲. بیان موضوع

دیپلماسی عمومی یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. درک شاخص‌های دیپلماسی عمومی ایران ارتباط مستقیم با قالب‌های مفهومی و ساختاری دارد. بازتولید مقاومت در سیاست خارجی ایران، مبتنی بر نشانه‌هایی مانند «الهام‌بخشی»، «صدور انقلاب» و «سازماندهی جبهه مقاومت ضد نظام سلطه» بوده است. چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، تأثیر خود را در

ارتباط با موضوعاتی از جمله دیپلماسی هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک، به‌جا گذاشته است. چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، تابعی از شاخص‌های درون‌ساختاری متناسب با اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی ایران خواهد بود. در این بین نیز، قالب‌های هویتی به‌عنوان نماد و نشانه متمایزکننده محسوب می‌شوند. هرگاه کشوری همانند ایران از سازوکارهای کنش هویتی بهره‌مند شود، در آن شرایط به‌گونه اجتناب‌ناپذیر درصدد خواهد بود تا شکل جدیدی از قالب‌های رفتاری در سیاست منطقه‌ای را به‌کار گیرد.

۳. بیان مسئله

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، دارای چه ویژگی‌هایی بوده و چه تأثیری بر الگوی رفتاری ایران در ارتباط با موضوعات مختلف سیاست خارجی از جمله دیپلماسی هسته‌ای یا مقاومت در محیط منطقه‌ای به‌جا گذاشته است. درک چنین موضوعی نیازمند شناخت شاخص‌های بنیادین سیاست خارجی ایران و همچنین نقش دیپلماسی عمومی برای بهینه‌سازی و تحقق اهداف سیاست خارجی خواهد بود. ضرورت کاربرد دیپلماسی عمومی، همچون سایر انقلاب‌های بزرگ امری انکارناپذیر است. اگر عامل فرهنگ، یکی از مهم‌ترین منابع دیپلماسی عمومی محسوب شود، در نتیجه، انقلاب اسلامی ایران به‌حق به این شهرت یافته است که انقلابی فرهنگی، یعنی انقلابی مبتنی بر فرهنگ و برای فرهنگ بوده است. همچنین، اگر مذهب از عوامل تعیین‌کننده در ایجاد دیپلماسی عمومی به‌شمار آید، انقلاب اسلامی ایران، انقلابی مبتنی بر دین اسلام و مذهب تشیع بوده است که قدرت نفوذ و اثرگذاری در میان حداقل یک میلیارد مسلمان را داشته است (Obama, 2015: p. 9).

انقلاب اسلامی ایران با بهره‌مندی و بهره‌گیری از انقلابی با رسالت و پیامی جهان‌شمول، با جایگاهی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، با مطرح ساختن عدالت، صلح، هویت و نفی ظلم و حمایت از مظلوم در اصول سیاست خارجی خود، همچنین با تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، با رهبری بیداری اسلامی، اسلام سیاسی در جهان اسلام و کل جهان، با اسلام‌سازی و جهانی‌سازی با شرایط محدودسازی شرایط، با تبدیل مقاومت به یک ارزش و اصل مقبول در روابط بین‌الملل با نقش مثبت، سازنده و راهگشا، در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای حضوری فعال داشته است.

۴. سؤالات پژوهش

سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: «چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی

ایران، دارای چه نشانه‌ها، ویژگی‌ها و کارکردی است؟»

سوالات فرعی تحقیق نیز عبارتند از:

- ۱) چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، دارای چه نشانه‌هایی است؟
- ۲) چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، دارای چه مراجعی خواهد بود؟
- ۳) چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، چه کارکردی در موضوعات سیاست خارجی ایران داشته است؟

۵. فرایند اثبات فرضیه

بررسی شاخص‌های مربوط به چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران از این جهت اهمیت دارد که زمینه شناخت روندهای سیاست خارجی ایران را به وجود می‌آورد. هر فرایند سیاست خارجی می‌تواند بخشی از معادله قدرت و امنیت تلقی شود. بنابراین، شاخص‌های سیاست خارجی ایران در محیط منطقه‌ای، به ویژه در فضای مقاومت، نقش بسیار مؤثری در شناخت واقعیت‌های محیط رفتاری و الگوی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی خواهد داشت. کنش منطقه‌ای ایران حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و مقابله با سیاست توسعه قدرت و هژمونی امریکا بوده است. هر یک از گزینه‌های یادشده، زیرساخت‌های صدور انقلاب را امکان‌پذیر می‌سازد. صدور انقلاب منجر به تقویت هویت مقاومت در کشورهایی می‌شود که دارای نظام‌های سیاسی محافظه‌کار و غرب‌گرا هستند، از این رو، هویت مشروعیت‌بخش در ارتباط با کشورهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که زمینه‌های لازم برای همکاری سازمان‌یافته جامعه و گروه‌های انقلابی را فراهم کند.

۶. ضرورت‌های کاربرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران

روندهای سیاسی و تحولات بین‌المللی تأثیرگذار بر دیپلماسی و روند سیاست خارجی بیانگر این واقعیت است که نظام‌های سیاسی انقلابی همواره از شاخص‌های دیپلماسی عمومی برای ارتقاء موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود بهره می‌گیرند. ایدئولوژی و کنش انقلابی یکی از نشانه‌های اصلی دیپلماسی عمومی ایران برای تحقق اهدافی همانند صدور انقلاب محسوب می‌شود. در چنین شرایطی سیاست خارجی ایران ماهیت هویتی پیدا می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۴: ص ۷۳).

دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها، اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورها است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن،

تصاویر، دادوستد فرهنگی، رسانه‌های همگانی و اینترنت است. به موازات «قدرت سخت‌افزاری»، جلوه‌های جدیدی از قدرت با نشانه‌های نرم‌افزاری ارائه شد. این امر به مفهوم آن است که قدرت، امنیت و سیاست خارجی تحت تأثیر عناصر نوین و جدیدی قرار گرفته‌اند.

در نظام بین‌الملل امروز، به‌کارگیری دیپلماسی عمومی از ابزارهای تعیین‌کننده تحقق اهداف ملی و تأمین امنیت ملی کشورها محسوب می‌گردد. شاخص‌های دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران انعکاس ماهیت انقلاب اسلامی است. جوزف نای^۱ از نظریه‌پردازان قدرت نرم، به این شکل از دیپلماسی اشاره دارد. در واقع دیپلماسی عمومی، یک گونه نرمی از دیپلماسی است که با رسمی بودن و تشریفات سروکار نداشته، و ابزار متفاوت خود را دارد (Nye, 2002: p. 17).

۶-۱. هویتی‌سازی فرایندهای سیاست خارجی ایران

اولین و اصلی‌ترین ضرورت کاربرد دیپلماسی عمومی را می‌توان هویتی‌سازی فرایندهای سیاست خارجی ایران دانست. هویت می‌تواند به‌مثابه مزیت نسبی سیاست خارجی ایران ایفای نقش نماید. شکل‌بندی‌های هویتی در شرایطی به‌وجود می‌آید که قالب‌های فکری، ایستاری و ادراکی سیاست خارجی ایران با ساخت سیاسی کشورهای منطقه‌ای متفاوت بوده است، در حالی که قالب‌های ذهنی و ارزشی آن با قالب‌های مفهومی و ادراکی گروه‌های اجتماعی و شهروندان محیط پیرامونی، همگونی و همبستگی داشته باشد. هرگاه ایدئولوژی در پیوند با الگوهای فضای کنش اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد، به هویت تبدیل می‌شود. سیاست خارجی ایران را می‌توان انعکاس همکاری‌های چندجانبه با بازیگران فراملی، فراملی و دولتی دانست. نشانه‌های چنین مواردی در ارتباط با تلاش حوزه دیپلماسی عمومی شکل می‌گیرد. دیپلماسی عمومی قادر است تا تأثیر خود را بر قالب‌های ادراکی نیروهای اجتماعی و گروه‌های انقلابی در محیط منطقه‌ای به‌جا گذارد (سازمند و براتی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۵).

۶-۲. بهینه‌سازی و بازتولید منافع و قدرت ملی ایران

دومین ضرورت دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی هر کشوری، بهینه‌سازی منافع و قدرت ملی خواهد بود. دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه کنش ارتباطی با شهروندان و نظریه‌پردازان کشورهای رقیب را فراهم آورد. هرگونه کنش ارتباطی مبتنی بر تلاش برای متقاعدسازی بازیگران و نیروهای سیاسی رقیب در شرایط پرمخاطره امنیتی و ژئوپلیتیکی خواهد بود. به این ترتیب، روندهای جدیدی از منافع ملی از طریق

1. Joseph Nye

کنش ارتباطی با مجموعه‌های شهروندی کشورهای مخاطب به وجود می‌آید.

بهبودسازی و بازتولید منافع ملی بدون توجه به سازوکارهای کنش دیپلماتیک حاصل نمی‌شود. یکی از شاخص‌های اصلی دیپلماسی در عرصه روابط دوجانبه و چندجانبه را کنش ارتباطی در قالب فضای اجتماعی شکل می‌دهد. الگویی که به عنوان دیپلماسی عمومی از آن یاد می‌شود، زمینه لازم برای متقاعدسازی بازیگران رقیب را از طریق سازوکارهایی همانند متقاعدسازی، تفهیم منافع متقابل، بازتولید ادراک همگون و تنظیم خط‌مشی مشترک برای مقابله با تهدیدات آینده، فراهم می‌سازد.

سیاست خارجی هر کشور به طور مستقیم با عناصر قدرت ملی آن کشور در ارتباط است. سیاست خارجی به طور کلی فعالیت‌های یک کشور در محیط و شرایط خارجی، به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی را در برمی‌گیرد، که متأثر از قدرت و توانایی‌های آن کشور ظهور می‌یابد. دیپلماسی مهم‌ترین راه و ابزار نیل به این اهداف و منافع محسوب می‌شود. موفقیت یک سیاست خارجی به ویژه از طریق کاربرد دیپلماسی فعال، امکان‌پذیر خواهد بود.

دیپلماسی فعال زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست و دیپلماسی مربوط، ضمن درک شرایط زمانی و مکانی مبتنی بر ارزیابی دقیق واقعیات جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و البته داخلی، در ارتباط با دیگر بازیگران نظام جهانی باشد. همچنین متناسب با نیازهای درازمدت و کوتاه‌مدت، حتی الامکان عاری از تعارضات گوناگون باشد و به وسیله نیروها و عوامل داخلی حمایت شود و از جانب نهادهای بین‌المللی نیز قابل قبول و تعاملی فرض گردد و نهایتاً به وسیله منابع دیپلماسی عمومی و هم‌سخت اقتصادی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و استراتژیک کشور تکمیل شود (Nye, 2002: p. 63).

در کشورهای مختلف، نهادها و اشخاصی مسئول هدایت دیپلماسی عمومی هستند و در ایران نیز نهادها و اشخاصی عهده‌دار این مسئولیت‌اند. با گسترش و بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و فرهنگی از طریق ابزارهای مشخص آن، دیپلماسی پویایی بهتری یافته است. همچنین خواست‌های یک کشور در نظام بین‌الملل بهتر تبیین و تشریح می‌گردد؛ به عنوان مثال، یک کشور، برای ارتباط بهتر با کشورهای پیرامون خود، می‌تواند با صرف تکیه بر دیپلماسی رسمی و تشریفاتی، بر عناصر فرهنگی، قومیتی، زبانی، دینی، مذهبی و آیینی مشترک نیز تکیه کند (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۵).

با این وصف، پیوندهای ایجاد شده از طریق دیپلماسی‌های عمومی قوی‌تر و ناگسستگی‌تر خواهد بود. یک کشور از طریق دیپلماسی عمومی می‌تواند، مشروعیت بیشتری به اقدامات و خواست‌های خود بدهد و اذهان عمومی و افکار بین‌المللی را برای پذیرش اهداف خود آماده کند. رسانه، نهادهای آموزشی، مؤسسات

فرهنگی و دینی، اشخاص تاثیرگذار و الگو و...، از جمله ابزارهای در خدمت دیپلماسی عمومی هستند. چنانچه کشوری بتواند از ابزار مؤثر در دیپلماسی عمومی بهره ببرد، تصویری مثبت از خود ارائه داده است، یا با تصاویر منفی ایجاد شده توسط دشمنان مبارزه می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای انقلاب به طرق مختلف در امر دیپلماسی عمومی، سعی در ایفای نقشی فعال دارد.

۷. ویژگی‌های دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران

مهم‌ترین ویژگی دیپلماسی عمومی آن است که حقانیت و مشروعیت لازم را برای بازیگران سیاسی و اهداف راهبردی آنان به وجود می‌آورد. الگوی رفتاری دیپلماسی عمومی ایران براساس نشانه‌هایی از مشروعیت‌یابی، چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای برای بهینه‌سازی قدرت ملی کشور شکل گرفته است. هدف اصلی ایران در کاربرد دیپلماسی عمومی را می‌توان فعال‌سازی چندجانبه‌گرایی در روندهای سیاسی و سیاست خارجی دانست. دیپلماسی عمومی برای خنثی‌سازی فشارهای بین‌المللی شکل می‌گیرد، در نتیجه، قادر خواهد بود تا جلوه‌هایی از همکاری و مشارکت چندجانبه بین ساخت سیاسی یک کشور را با بازیگران منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی فراهم آورد. دیپلماسی عمومی از قابلیت لازم برای بازتولید هویت مشروعیت‌بخش برخوردار بوده و اگر به خوبی شکل گیرد، در آن شرایط قادر خواهد بود تا قالب‌های هویتی را به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی تبدیل نماید.

۷-۱. حداکثرسازی کنش ارتباطی با بازیگران محیط پیرامونی

اولین ویژگی دیپلماسی عمومی را باید حداکثرسازی کنش ارتباطی دانست. کنش ارتباطی در شرایطی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود که عرصه سیاست خارجی کشورها دارای زبان، اهداف، هویت، قالب‌های ارزشی و ایستارهای مشترک با سایر بازیگران باشد. کنش ارتباطی زیرساخت‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه را به وجود می‌آورد. هرگونه همکاری به‌عنوان تلاش سازمان‌یافته جهت تأمین منافع مشترک یا مقابله با تهدیدات مشترک خواهد بود. کاربرد سازوکارهای دیپلماسی عمومی در مناطقی همانند جنوب غرب آسیا اهمیت بیشتری دارد (Mossalanejad, 2018: p. 35).

شاخص‌های کنش ارتباطی براساس درک مشترک اهداف سیاست خارجی کشورها حاصل می‌شود. هر کشور و بازیگری باید احساس نماید که برای نیل به اهداف و منافع مشترک، نیازمند شکل خاصی از کنش ارتباطی خواهد بود. کنش ارتباطی موضوعی ادراکی و هویتی تلقی می‌شود. شناخت نیازهای متقابل هر بازیگر به‌عنوان زیربنای دیپلماسی عمومی تلقی می‌شود و کاربرد دیپلماسی عمومی برای مشروعیت بخشیدن

به اهداف سیاست خارجی خواهد بود.

عدم کاربرد بهینه و مؤثر دیپلماسی عمومی، به عنوان مهم‌ترین چالش آتی حکمرانی در جهان شناخته می‌شود. شدت این چالش به قدری است که دولت‌ها در کلیه سطوح با این چالش که ماهیت ادراکی و ارتباطی دارد، مواجهه خواهند شد. اساساً دیپلماسی عمومی مولد قالب‌های شناختی و ادراکی است. هر بازیگری که شناخت دقیق‌تری نسبت به محیط پیرامون خود داشته باشد، به نتایج مطلوب‌تری در فضای سیاسی و امنیتی نایل می‌گردد (Mallett, 2021: p. 19).

منظور از ابعاد این نیاز اساسی، تسری دیپلماسی عمومی به سطح خرد و کلان، سطح دولتی و خصوصی، سطح فردی و اجتماعی، سطح ملی و منطقه‌ای یا جهانی است. برای فهم بهتر این نکته باید عنایت داشت که بدون دیپلماسی عمومی قادر به جهت‌دهی افکار عمومی و ادراک‌سازی از مفاهیم پیچیده عرصه بین‌الملل نخواهیم بود. به عبارت صحیح‌تر، بدون دیپلماسی عمومی امکان کنترل موضوعاتی از جمله: افکار عمومی، مطالبات ملی و انسجام ملی به وجود نمی‌آید.

هرگونه سازوکار دیپلماسی عمومی مبتنی بر یک تصمیم فراگیر در عرصه ملی با تأثیرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این رو توجه به دیپلماسی عمومی به عنوان هسته اصلی و تأثیرگذار سیاست خارجی برای تأمین منافع ملی کشورها محسوب می‌شود. دیپلماسی عمومی تلفیقی از قابلیت‌های ساختاری نهادهایی محسوب می‌شود که قادر خواهند بود تا زمینه لازم برای کنش ارتباطی مؤثر با دیگران را در دستور کار قرار دهند. در روند دیپلماسی عمومی، کلیه ابزارهای فرهنگی، اجتماعی، هویتی و ساختاری دولت به کار گرفته می‌شود (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۹۶: ص ۱۹۵).

۷-۲. چندجانبه‌گرایی سیاست خارجی ایران

دومین ویژگی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران را چندجانبه‌گرایی تشکیل می‌دهد. چندجانبه‌گرایی هر دوران تاریخی دارای قالب‌های معنایی و مفهومی خاص خود بوده است. چندجانبه‌گرایی بدون سازوکارهای دیپلماسی عمومی نمی‌تواند نتایج مطلوب و مؤثری در حوزه سیاست خارجی و الگوی کنش متقابل بازیگران داشته باشد. چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی برای متقاعدسازی سایر بازیگران محسوب می‌شود.

همکاری و کنش ارتباطی سیاست خارجی ایران که به مشارکت با گروه‌های هویتی منجر شده است، زمینه ارتقاء سطح تحریک سیاسی ایران برای اعاده حقوق و ضرورت‌های ژئوپلیتیکی ایران در محیط منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. شناخت واقعیت‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بیانگر این واقعیت است که

چندجانبه‌گرایی می‌تواند زمینه بهینه‌سازی همکاری‌های ایران با گروه‌های هویتی، نیروهای اجتماعی، افکار عمومی محیط منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی را فراهم سازد.

ایالات متحده سیاست مقابله فراگیر با ایران را در دستور کار قرار داده است. در چنین شرایطی، دیپلماسی عمومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید بتواند زیرساخت‌های لازم برای مقابله با تهدیدات امریکا را فراهم سازد. اولین سازوکار تحقق این امر، متنوع‌سازی عرصه سیاست قدرت و امنیت ملی ایران خواهد بود. نشانه دوم، مبتنی بر همکاری‌های چندجانبه ایران با کشورهای هند، پاکستان، روسیه و چین در نظر گرفته شده است. بهینه‌سازی روابط با این کشورها مطلوبیت قابل توجهی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

یکی دیگر از نشانه‌های چندجانبه‌گرایی سیاست خارجی ایران، بهینه‌سازی منافع اقتصادی در فضای تحریم‌های بین‌المللی است. ایران همواره تلاش داشته است تا شکل خاصی از اقتصاد سیاسی بین‌المللی را براساس همکاری‌های چندجانبه تدوین و طراحی کند. اقتصاد سیاسی ایران در دوران بعد از برجام نیازمند همکاری‌های چندجانبه با نهادهای اقتصادی بین‌المللی بوده است که بخشی از آن می‌تواند از طریق سازوکارهای دیپلماسی عمومی فراهم گردد (پورااحمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۶۵).

دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزار جانبی کشورها، جهت تسهیل روندهای مربوط به سیاست خارجی خواهد بود. موفقیت دیپلماسی عمومی مربوط به دورانی است که پیوند و همبستگی آن با حوزه دیپلماسی رسمی کشور به وجود آید؛ در غیر این صورت، هر کشوری با چالش‌های اقتصادی و راهبردی خاص خود روبه‌رو می‌شود. دیپلماسی عمومی می‌بایست خلأ ارتباطی و رفتاری هر کشوری در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی رسمی را بازتولید نماید (Lawlor & et al., 2021: p. 19).

چندجانبه‌گرایی دیپلماسی اقتصادی ایران، از این جهت اهمیت دارد که شکل‌بندی‌های روابط اجتماعی و فرهنگی را در فضای کنش ارتباطی منعکس می‌سازد. اگرچه دیپلماسی عمومی ماهیت ارتباطی، فرهنگی، هویتی و ساختاری دارد، اما میزان اثربخشی آن در شرایطی افزایش می‌یابد، که ارتباط مستقیم و درهم‌تنیده‌ای با حوزه دیپلماسی کلاسیک برقرار نماید. به‌طور کلی، هرگونه کنش اقتصادی ایران در دوران بعد از برجام، به همان گونه‌ای که ماهیت اقتصادی داشته، مبتنی بر نشانه‌هایی از همکاری‌های چندجانبه بوده است (نیک‌آیین، ۱۳۸۸: ص ۴۵).

دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران تابعی از شکل‌بندی‌های ساختاری، نهادی و رفتاری جمهوری اسلامی در دوران گذار خواهد بود. نقش‌یابی ایران در نهادهایی مانند سازمان همکاری‌های شانگهای،

بریکس پلاس^۱ و ارتقای سطح همکاری‌های ایران با سازمان کشورهای اقتصادی اکو را می‌توان به‌عنوان بخشی از فضا و فرایند چندجانبه‌گرایی ایران در اقتصاد و سیاست بین‌الملل دانست. توسعه اینگونه همکاری‌ها براساس سازوکارهای دیپلماسی رسمی به موازات دیپلماسی عمومی حاصل می‌شود.

سیاست «نه شرقی و نه غربی» ایران، تابعی از ضرورت‌های ساختاری نظام دوقطبی بوده است. در ساختار جدید نظام بین‌الملل که مقام معظم رهبری بر نشانه‌هایی از «تغییر در هندسه قدرت نظام جهانی» تأکید داشته‌اند، ایران می‌تواند از چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی خود استفاده کند. هرگونه منطقه‌گرایی، تابعی از سازوکارهای سیاست قدرت برای کنترل معادله امنیت در فضای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه خواهد بود.

۷-۳. عبور از انفعال و انزوای دیپلماتیک

نقش‌یابی دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران، یکی از محورهای اصلی کنترل چالش امنیتی خواهد بود. به همین دلیل است که نهادها و ابزارهای دیپلماسی عمومی می‌توانند نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد و سیاست خارجی ایران ایفا نماید. نقش‌یابی دیپلماسی عمومی در حوزه اقتصاد سیاسی و جایگاه دیپلماتیک ایران در محیط منطقه‌ای از آن جهت اهمیت دارد که زمینه شکل‌گیری اقدامات آینده و جهت‌دهی به افکار و عمل کارگزاران اجتماعی و سیاست خارجی سایر کشورها در ارتباط با کنش همبسته با اهداف منطقه‌ای ایران را امکان‌پذیر می‌سازد.

کارویژه اصلی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌کارگیری سازوکارهایی برای گذار از انفعال و انزوای بین‌المللی دانست؛ زیرا برخی از بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ عموماً تلاش نمودند تا زمینه لازم برای محدودسازی قدرت ایران را فراهم آورند. مایکل پمپئو^۲ وزیر خارجه دونالد ترامپ، نقشه راه ۱۲ ماده‌ای برای مقابله و محدودسازی ایران در سیاست بین‌الملل را طراحی نمود. عبور از چنین فشارها و فرایندی، نیازمند تحرك دیپلماتیک و کاربرد دیپلماسی عمومی است.

درباره شکل‌بندی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، نشانه‌هایی از همکاری‌های چندجانبه وجود دارد، که هر یک از این همکاری‌ها در الگوی کنش رفتاری نهادهای دیپلماسی عمومی ایران منعکس شده است. پژوهشگران مختلفی تلاش داشته‌اند تا نقش دیپلماسی عمومی ایران در محیط منطقه‌ای و سیاست

1. BRICS Plus
2. Michael Pompeo

بین‌الملل را تبیین نمایند. چندجانبه‌گرایی سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایران منجر به اعاده بخشی از قابلیت‌های سیاسی و بین‌المللی جمهوری اسلامی بعد از خروج دونالد ترامپ از برجام گردیده است (Brehony, 2020: p. 35).

خروج دونالد ترامپ از برجام با هدف انزوا و انفعال ایران انجام گرفت. ترامپ درصدد برآمد تا محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران ایجاد کند؛ اما خروج او از برجام، به مفهوم نادیده گرفتن قواعد عمومی سیاست بین‌الملل خواهد بود. در چنین شرایطی است که دیپلماسی عمومی ایران براساس نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی شکل گرفت و زمینه ظهور سطح جدیدی از همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهایی همانند چین و نهادهایی از جمله سازمان همکاری‌های شانگهای را فراهم آورد.

یکی از ویژگی‌ها و نشانه‌های اصلی دیپلماسی عمومی ایران در محیط منطقه‌ای انعکاس داشته است. دیپلماسی عمومی ایران، زمینه شکل‌گیری محور مقاومت را رقم زد. محور مقاومت بخشی از فضای کنش سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران محسوب می‌شود که زمینه ارتقای سیاست خارجی ایران در محیط منطقه‌ای را به وجود آورده است. جبهه مقاومت نماد همبستگی فرهنگی، هویتی، تاکتیکی و راهبردی ایران با کشورهای منطقه‌ای محسوب می‌شود (سلیمی‌بنی و مجاورشیرخان، ۱۳۹۲: ص ۶۴).

جبهه مقاومت توانست زمینه‌های لازم برای تولید گفتمان مقاومت در محیط منطقه‌ای را به وجود آورد. از سویی گفتمان مقاومت بخشی از قالب‌های ادراکی ایران برای اثربخشی در محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود. از سوی دیگر، دیپلماسی عمومی می‌بایست زمینه لازم برای همبستگی ادراکی و ایستاری کشورهای مختلف را به وجود آورد. در نهایت، این‌گونه از همبستگی‌ها زمینه لازم برای نشانه‌هایی از گشایش اقتصادی، امید به آینده کنش ارتباطی، همدلی، حمایت‌گری و مثبت‌گرایی در کنش ارتباط منطقه‌ای را امکان‌پذیر ساخت.

۴-۷. قالب‌های گفتمانی دیپلماسی عمومی ایران

گفتمان‌های دیپلماسی عمومی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه لازم بین همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه را فراهم سازد. سیاست خارجی هر کشوری تحت تأثیر قالب‌های گفتمانی شکل می‌گیرد. گفتمان را می‌توان محور اصلی رفتار کارگزاران سیاست خارجی برای تأمین اهداف و منافع ملی دانست. بنابراین، کشورهایی همانند ایران می‌توانند از طریق نشانه‌هایی از تنوع گفتمانی در حوزه سیاست خارجی، موقعیت خود در محیط منطقه‌ای را ارتقاء دهند (هادیان و بلورچی، ۱۳۹۳: ص ۷۹).

هر یک از این گفتمان‌ها یکی از محورهای اصلی دیپلماسی عمومی ایران محسوب می‌شود. چندجانبه‌گرایی دیپلماسی عمومی ایران محور اصلی سیاست خارجی در دوران‌های مختلف بوده و این امر در فضای

پسابرجام به‌گونه مشهودی بازتولید شده است. رویکردهای دیپلماسی عمومی ایران معطوف به تحقق اهداف خاص و مربوط به خود می‌شود. در این بین، رویکرد اول مبتنی بر نشانه‌هایی از «گفتمان تعامل و همکاری‌های گسترش‌یابنده» بوده است (Erdbrink, 2013: p. 5).

اگرچه محور اصلی تفکر ژئوپلیتیکی جهان غرب را سلطه تشکیل می‌دهد، اما واقعیت آن است که چانه‌زنی متقابل می‌تواند زمینه ایجاد تعادل ژئوپلیتیکی را به‌وجود آورد. شکل‌گیری تعادل در فضای کنش ارتباطی حاصل می‌شود. همواره هر بازیگری تلاش می‌کند تا موقعیت خود را ارتقاء دهد و درصدد کسب منافع و مطلوبیت‌های مازاد برآید. کنش دیپلماتیک به‌ویژه سازوکارهای دیپلماسی عمومی می‌تواند، بخش قابل توجهی از اینگونه رقابت‌های سیاسی را ترمیم نماید.

تجربه ایران و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه‌ای بیانگر این واقعیت است که صلح ناقص همواره می‌تواند چالش‌های امنیتی جدیدی را بازتولید کند. تاریخ روابط بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که بخش قابل توجهی از رقابت‌ها و منازعات بین‌المللی در دوران بعد از «مصالحه مبهم» شکل گرفته است. دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه ترمیم مصالحه مبهم را فراهم آورد. شکست مذاکرات مربوط به شرایطی است که زمینه برای ظهور قالب‌های ادراکی و گفتمانی ستیزه‌جویانه بازتولید می‌شود.

اگرچه ایران از گفتمان مصالحه بهره می‌گیرد، اما محور اصلی تفکر جهان غرب را قدرت‌یابی و کنترل سایر بازیگران تشکیل می‌دهد. مصالحه مبهم این ویژگی را دارد که زمینه بازتولید تضادهای ژئوپلیتیکی و راهبردی کشورها را به‌وجود می‌آورد. اگر دیپلماسی عمومی ایران در دوران پسابرجام می‌توانست زمینه لازم برای تولید قالب‌های گفتمانی مبتنی بر همکاری‌های متقابل را به وجود آورد، در آن شرایط میزان موفقیت ترامپ در عبور از برج‌ها به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌کرد.

۸. پیوند دیپلماسی عمومی و گزینه‌های راهبردی پسابرجام ایران

اعاده تحریم‌های اقتصادی آمریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران، بیانگر این واقعیت است که برنامه جامع اقدام مشترک، کارکرد خود را از دست داده است. در چنین شرایطی، کارگزاران دیپلماتیک راهبردی ایران براساس «سیاست‌گذاری مصالحه راهبردی» نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای جدید برای محدودسازی پیامدهای تحریم اقتصادی و فشارهای راهبردی علیه ایران خواهند بود؛ زیرا محور اصلی اقدامات محدودکننده ترامپ، تلاش برای کاهش منافع اقتصادی و راهبردی ایران بود (Biden, 2020: p. 7).

در دوران فراپرجام، دونالد ترامپ و تیم راهبردی کاخ سفید تلاش داشتند تا ایران را به عنوان بازیگر گریز از مرکز و نقض‌کننده قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت معرفی نمایند. در این فرایند، کشورهای انگلیس و کانادا در

حمایت از سیاست‌های راهبردی ایالات متحده در صدد برآمدن تا فشارهای بین‌المللی بیشتری را براساس مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ در ارتباط با ایران اعمال نمایند. اگر وتوی روسیه وجود نداشت، طبعاً امکان تشدید محدودیت‌های راهبردی علیه ایران اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید.

۸-۱. مدیریت بحران در سیاست خارجی ایران

یکی از کارویژه‌های اصلی دیپلماسی عمومی را باید بهره‌گیری از سازوکارهایی دانست که زمینه لازم برای مدیریت بحران را به‌وجود می‌آورد. مدیریت بحران به مفهوم بهره‌گیری از سازوکارهایی است که یک کشور براساس تمامی قابلیت‌های خود تلاش می‌کند تا به حداکثرسازی معادله قدرت و اثربخشی پیرامونی نایل گردد. دیپلماسی عمومی از این جهت قابلیت اثربخشی در محیط پیرامونی را دارد که قادر خواهد بود تا شکل‌های جدیدی از کنش متقابل برای حل و فصل چالش‌های ایجاد شده را به‌وجود آورد.

ضرورت‌های سیاست‌گذاری راهبردی ایجاب می‌کند که ایران از سازوکارهایی برای مدیریت بحران استفاده نماید، که منجر به منافع دوجانبه و متقابل شود. هرگونه سیاست اجرایی برای پایان دادن به تحریم‌های اقتصادی ایجاب می‌کند که از «سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی» استفاده شود. پایان دادن به فرایند تحریم اقتصادی و فشارهای راهبردی علیه ایران، صرفاً از طریق دیپلماسی و الگوهای تاکتیکی حاصل نمی‌شود (Landale, 2021: p. 4).

هر یک از بازیگران سیاست بین‌الملل تلاش دارند تا در شرایط بحران، موقعیت بهینه را از طریق توافق به‌دست آورند؛ به طور مثال، الگوی کنش راهبردی چین در دهه ۱۹۷۰، زمینه‌های لازم برای سیاست‌گذاری معامله بزرگ را به‌وجود آورد. سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی به مفهوم آن است که بین حوزه مطالبات ایران و ایالات متحده توازن جدیدی ایجاد شود؛ آن هم در شرایطی که دونالد ترامپ تلاش دارد تا ایران را با محدودیت‌های بیشتری در حوزه‌های راهبردی روبه‌رو سازد.

تقسیم کار سازمانی و اجرایی در کاخ سفید انجام شده است. هر یک از کارگزاران اجرایی کابینه ترامپ تلاش داشتند تا محدودیت‌های جدیدتری را در ارتباط با ایران ایجاد و اعمال نمایند. گذار از محدودیت‌ها نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی است که مبتنی بر سیاست‌گذاری مصالحه باشد و زمینه ایجاد همکاری‌های چندجانبه برای مقابله با تهدیدات مشترک را به وجود آورد. کشورها به این دلیل نیازمند سیاست‌گذاری راهبردی هستند که محاسبه دقیقی از هزینه‌ها و منافع آنان در روند همکاری یا تعارض راهبردی انجام می‌گیرد. بهره‌گیری از «سیاست‌گذاری همکاری‌های چند موضوعی» همانند بهره‌گیری از موشک‌های چند پیکانه است (Chehayeb, 2021: p. 5).

۸-۲. چانه‌زنی دیپلماتیک در راستای متقاعدسازی بازیگران رقیب

نظریه‌پردازانی مانند هووی و هیوزبی^۱ بر این موضوع تأکید دارند که الگوی ایران در ارتباط با تحریم‌ها مبتنی بر دو نشانه ادامه تحریم، به موازات ادامه چانه‌زنی سیاسی است. طبیعی است که در این فرایند، زمینه برای گسترش تهدید به گونه‌ای افزایش پیدا کند، یا در شرایط تحریم شدید، زمینه برای مقاومت یا تسلیم ایجاد شود. بسیاری از نشانه‌های تحریم اقتصادی ایران بیانگر آن است که چنین فرایندی به نتایجی همانند «مقاومت» یا «تسلیم» منجر می‌گردد.

ضرورت‌های سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی ایجاب می‌کند که الگوی مصالحه حدّ واسط وضعیت مقاومت و تسلیم شکل گیرد. کشورهایی که در معرض تحریم قرار می‌گیرند، عموماً تمایل چندانی به پذیرش هنجارهای بین‌المللی ندارند. آنان چنین هنجارهایی را به مثابه نشانه‌ای از فرادستی سیاست بین‌الملل می‌دانند؛ به همین دلیل است که مدل بازی تحریم که توسط «هوزبی» تنظیم گردیده است را می‌توان به عنوان بخشی از واقعیت تحریم‌هایی دانست، که در حوزه‌های مختلف جغرافیایی اعمال می‌شود.

هوزبی به این موضوع اشاره دارد که ایران و امریکا صرفاً برای اعمال تحریم‌های ملایم آمادگی دارند. اگر تحریم‌ها گسترش پیدا کند، زمینه برای پرهزینه بودن فرایند تحریم به‌وجود می‌آید. سیاست‌گذاری همکاری‌های چند موضوعی نیازمند بهینه‌سازی سازوکارهای کنش اقتصادی و قابلیت‌های راهبردی از طریق نقش‌یابی سیاست خارجی در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در چنین شرایطی کشورهایی همانند ایران برای نقش‌یابی قدرت منطقه‌ای نیازمند بهینه‌سازی مزیت نسبی اقتصادی و راهبردی خود از طریق سازوکارهای دیپلماسی عمومی و چندجانبه‌گرایی خواهند بود (Felter & Brian, 2008: p. 74).

دیپلماسی عمومی مبتنی بر همکاری‌های چند موضوعی، به‌مفهوم آن است که هر یک از بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش سایر بازیگران در حوزه راهبردی را درک می‌کنند. هرگونه سازوکار مربوط به دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه شکل‌گیری همکاری‌های چندموضوعی در روابط ایران با سایر کشورها را فراهم سازد. تلاش ایران برای کاهش تحریم‌ها در شرایطی امکان‌پذیر است، که زمینه برای چندجانبه‌گرایی جمهوری اسلامی در فضای دیپلماسی نفتی به‌وجود آید.

دیپلماسی اقتصادی محور اصلی چندجانبه‌گرایی ایران در روند کاهش فشارهای اقتصادی ایالات متحده محسوب می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان اقتصادی بر این اعتقادند که سیاست‌های تحریم اقتصادی، نه تنها

درآمد دولت از مبادلات عمومی را کاهش خواهد داد، بلکه زمینه‌های لازم برای حاشیه‌سازی و ایجاد محدودیت در قدرت ساختاری جمهوری اسلامی را امکان‌پذیر می‌سازد. چنین فرایندی تضادهای جامعه و دولت را در طولانی مدت افزایش می‌دهد (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۶۵).

۸-۳. دیپلماسی عمومی همکاری‌های چندموضوعی

یکی از حوزه‌های اصلی دیپلماسی عمومی را می‌توان تلاش سازمان‌یافته کشورها برای به حداقل رساندن چالش‌های امنیتی از طریق اجماع‌سازی بین‌المللی دانست. مذاکرات ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در قالب دیپلماسی هسته‌ای انجام گرفت. دیپلماسی هسته‌ای را می‌توان تلاش دیپلماتیک برای حداکثرسازی توافق ایران و قدرت‌های بزرگ در ارتباط با موضوعات راهبردی دانست. در این ارتباط، دابل‌گریپ^۱ بر ضرورت تداوم فرایند دیپلماتیک تأکید دارد (Guido, 2021: p. 34).

دیپلماسی عمومی فرایندی است که می‌تواند زمینه‌های لازم برای حل اختلافات از طریق همکاری درباره موضوعات اجتماعی و غیرامنیتی را فراهم سازد. کاهش رفاه اجتماعی در کشوری که دارای اقتصاد رانتی است، بی‌اعتمادی جامعه نسبت به دولت را بیشتر می‌کند. بی‌اعتمادی مردم به دولت، زمینه‌های لازم برای کاهش سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد. هرگونه کاهش سرمایه اجتماعی دولت، تضادهای جامعه و حکومت را به گونه مشهودی تشدید می‌سازد.

در روند دیپلماسی عمومی زمینه برای همکاری‌های چندموضوعی به وجود می‌آید. دیپلماسی عمومی در فضای چندجانبه‌گرایی می‌بایست اولویت‌های راهبردی جدیدی برای کشورهایی همانند ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا به وجود آورد. اگرچه سیاست تحریم می‌تواند مطلوبیت‌هایی را برای برخی از کشورهای منطقه‌ای همانند اسرائیل و عربستان ایجاد نماید، اما سیاست‌گذاری همکاری‌های چند موضوعی «دابل‌گریپ» به مفهوم «توافق بزرگ»، در راستای موازنه قدرت منطقه‌ای بوده است.

دیپلماسی عمومی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی اقتصادی در همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند، زمینه‌های لازم برای کاهش محدودیت‌ها و افزایش مطلوبیت‌های ایران برای پایان دادن به تمامی تحریم‌های نفتی، مالی، بانکی، تجاری و تسلیحاتی را فراهم آورد. یکی از مدل‌های پایان دادن به محدودیت‌های اقتصادی و راهبردی همانند تحریم‌های ایران در حوزه‌های حقوق بشر، هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و سیاست منطقه‌ای توسط «دابل‌گریپ» تنظیم گردیده است (Henderson, 2022: p. 72).

پایان دادن به هر یک از حوزه‌های یادشده را می‌توان در زمره اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران دانست. رکز تیلرسون^۱ - وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده - به رویکرد نظریه‌پردازانی همانند دابل گریپ توجه داشت. اگرچه چنین رویکردی مورد توافق دونالد ترامپ و کاخ سفید قرار نگرفت؛ زیرا نقشه راه دیپلماتیک تنظیم شده توسط مایکل پمپئو ماهیت مقابله‌جویانه داشت و معطوف به فشارهای فزاینده علیه ایران بود. طبیعی است که مدل همکاری‌های چندموضوعی، براساس الگوی کنش چندبعدی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اجرا خواهد شد. چنین الگویی به مفهوم آن است که از طریق ایزوله کردن سیاسی یک کشور، احتمال افزایش محدودیت‌های اقتصادی نیز فراهم خواهد شد. دیپلماسی پایان دادن به تحریم‌ها در چارچوب سیاستگذاری همکاری‌های چند موضوعی به معنای آن است که اقدامات یک بعدی نمی‌تواند اهداف راهبردی کشورها برای بهینه‌سازی موقعیت خود را فراهم آورد (پازکیان و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۴۵).

در شرایطی که دیپلماسی عمومی ایران با رویکرد چندجانبه‌گرایی صرفاً معطوف به موضوع خاصی باشد، نتایج محدودتری ایجاد می‌شود. بخشی از سیاستگذاری همکاری‌های چند موضوعی معطوف به گذار از اعتمادسازی به سوی سازوکارهای کنش مسئولانه در حوزه راهبردی خواهد بود. دیپلماسی عمومی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های چند موضوعی این ویژگی را دارد که زمینه‌های لازم برای اثرگذاری بر فضای کنش راهبردی بازیگران را امکان‌پذیر سازد (Pollack, 2014: p. 115).

۸-۴. دیپلماسی عمومی مبتنی بر همکاری‌های چندضلعی منطقه‌ای

ضرورت‌های گذار از حوزه‌های تحریم اقتصادی ایجاب می‌کند که ایران نقش مؤثری در دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نماید. تاکنون تحریم‌هایی که از سوی نهادهای مختلفی اعمال گردیده، معطوف به موضوعات متفاوتی بوده که بعد از دیپلماسی هسته‌ای فراروی ایران قرار گرفته است. در دوران موجود لازم است تا از طریق «سیاستگذاری تراکم کنش تعاملی» در حوزه‌های راهبردی، زمینه گذار از تحریم‌ها در فضای موضوعات متنوع راهبردی به‌وجود آید (Al-Dawsari, 2021: p. 1).

دونالد ترامپ، ناسیونالیست‌ها، گروه‌های محافظه‌کار و مجموعه‌های اسرائیل محور در امریکا تمایلی به پایان یافتن تحریم‌های ایران ندارند. آنان بر ضرورت تداوم دیپلماسی اجبار تأکید دارند. ضرورت‌های دیپلماسی همکاری‌های چندموضوعی معطوف به آن است که موضوعات ذیل به‌عنوان اصلی‌ترین محورهای دیپلماسی پس‌برجام مورد توجه نهادهای اقتصادی، دیپلماتیک و راهبردی ایران قرار گیرد. کنگره امریکا تمایلی

برای اثرگذاری بر تصمیمات راهبردی دولت ترامپ نداشت. به طور کلی، کنگره از انگیزه لازم برای اعمال فشارهای اقتصادی و راهبردی غیرمنافعه‌آمیز در برخورد با ایران برخوردار است. ساختار قدرت در آمریکا ماهیت «کنترل و موازنه» دارد. چنین ساختاری به معنای آن است که هیچ یک از نهادهای سیاسی و شخصیت‌های راهبردی به‌تنهایی قادر به اعمال نگرش خود در روند تصمیم‌گیری سیاسی نخواهد بود. مهم‌ترین چالش سیاستگذاری راهبردی ایران آن است که چگونه کنگره آمریکا می‌تواند بازی‌های جدیدی را برای افزایش محدودیت‌های اقتصادی با عنوان سازوکارهای مقابله با تهدیدات راهبردی ایران به وجود آورد (Kahn, 2014: p. 25).

قانون موسوم به «طرح کورکر - منندز»^۱ به موازات قوانین دیگری همانند «کاتسا»^۲ کنگره ایالات متحده، تأثیر خود بر چگونگی تصویب تحریم‌های جدید و کم‌اثرسازی فرایند موسوم به «عادی‌سازی روابط ایران با نظام بین‌الملل» را به جا گذاشته است. براساس این طرح، تحریم‌های مربوط به تهدیدات و اتهامات تیم سیاست راهبردی دونالد ترامپ به ایران پیرامون «تروریسم»، «حقوق بشر» و «موشک‌های بالستیک» نه‌تنها تداوم یافت، بلکه «گروه اقدام ایران» به رهبری برایان هوک^۳ که در وزارت امور خارجه آمریکا شکل گرفت، تحریم‌ها را تشدید کرد.

در فرایند محدودسازی قدرت راهبردی ایران، تحریم‌ها فراتر از قابلیت هسته‌ای به موضوعات دیگری نظیر تروریسم و قابلیت‌های موشکی تسری پیدا کرد. وقتی که تیم راهبردی و سیاست خارجی دونالد ترامپ از مفهوم تروریسم بهره می‌گیرند، به معنای آن است که الگوی رفتاری ایران در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای را تحت کنترل قرار خواهند داد. سیاستگذاری همکاری‌های چند موضوعی ایران می‌تواند زمینه دیپلماسی منطقه‌ای را به گونه‌ای فراهم سازد که امکان کاهش فشارهای جدید در برخورد با ایران را فراهم سازد.

روندهای موجود بیانگر آن است که فرایند محدودسازی قدرت ایران توسط نهادهای سیاسی و راهبردی آمریکا در دوران دونالد ترامپ افزایش یافته بود. در چنین فرایندی، سیاستگذاری مصالحه راهبردی از طریق سازوکارهای همکاری‌های چندموضوعی و چندجانبه ایران در قالب نهادهای بین‌المللی می‌توانست برخی از محدودیت‌های راهبردی علیه ایران را کاهش دهد. سیاستگذاری همکاری‌های چندموضوعی ایران در برابر سازوکارهای افزایش محدودیت ترامپ علیه ایران در صورت تحقق نه‌تنها به اعتمادسازی منجر می‌شد، بلکه

1. Krueger & Menendez plan

2. Countering America's Adversaries Through Sanctions Act (CATSA)

3. Brian Hook

زمینه‌های لازم برای بهینه‌سازی روابط اقتصادی ایران و سایر بازیگران در حوزه سیاست جهانی را فراهم می‌کرد.

وضعیت فوق‌العاده در سیاست راهبردی امریکا علیه ایران تا سال ۲۰۲۳ ادامه یافت. در امریکا و در شرایطی که وضعیت فوق‌العاده علیه ایران به کار گرفته می‌شود، رئیس‌جمهور می‌تواند محدودیت‌های اقتصادی و راهبردی جدیدی را در چارچوب قوانین کنگره یا دستورالعمل اجرایی رئیس‌جمهور در ارتباط با ایران اعمال نماید. از این‌رو، در شرایط بعد از برجام، ادبیات راهبردی امریکا عمدتاً معطوف به مقابله با تروریسم و قابلیت‌های موشکی ایران بوده است (Katzman, 2011: p. 13).

آمریکا تلاش دارد تا قابلیت ایران برای تخصیص منابع مالی گروه‌های انقلابی منطقه‌ای و ارتقای قابلیت موشک‌های بالستیک را کاهش دهد. به همین دلیل است که از مفاهیمی همانند پول‌شویی، نقض حقوق بشر، تروریسم و امنیت اسرائیل برای توجیه سیاست‌های عملی خود در راستای محدودسازی قدرت اقتصادی ایران در محیط منطقه‌ای بهره می‌گیرد. روند موجود نشان می‌دهد که سیاست راهبردی امریکا در مقابله با ایران، معطوف به «تحریم» و «مهار» بوده و برنامه جامع اقدام مشترک عملاً تأثیری در سیاست‌های دوگانه امریکا برای محدودسازی ساختاری قدرت ایران به جا نگذاشته است.

۹. نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی ایران بعد از برجام تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های راهبردی قرار داشته است. هر یک از کارگزاران سیاست خارجی ایران تلاش نموده‌اند تا زمینه لازم برای به‌کارگیری سازوکارهای همکاری جویانه با سیاست بین‌الملل را فراهم آورند. برخی از الگوی کنش رفتاری ایران مبتنی بر سازوکارهایی بود که سیاست جهان غرب را با نشانه‌هایی از تهدید متقابل روبه‌رو می‌ساخت. در این فضا بود که زمینه برای ظهور دیپلماسی عمومی ایران به وجود آمد. اصلی‌ترین نشانه دیپلماسی عمومی ایران را می‌توان در ارتباط با کنش متقابل بازیگران برای نیل به نقطه تعادلی دانست. هرگونه توافق نیازمند شکل‌گیری موازنه قدرت و تعادل انتظارات است. بنابراین، ایران درصدد برآمد تا دیپلماسی عمومی خود در قالب «سازوکارهای مسیر دوم»، در فرایند توافق و همکاری با سایر بازیگران تأثیرگذار شکل دهد. حل و فصل بحران و مدیریت چالش‌های امنیتی و اقتصادی به‌مثابه بخش قابل توجهی از قالب‌های رفتاری دیپلماسی عمومی ایران محسوب می‌شود.

در گام اول دیپلماسی عمومی ایران، نشانه‌هایی از شفاف‌سازی و اعتمادسازی بروز کرد؛ اما هرگونه شفاف‌سازی می‌بایست زمینه همکاری متقابل بازیگران در فضای ابهام را به وجود آورد، در غیر این صورت،

زمینه برای افزایش تضادهای جدید به وجود خواهد آمد. همچنین براساس سازوکارهای به کار گرفته شده ایران در محیط منطقه‌ای، زمینه برای ظهور نشانه‌هایی از همکاری مرحله‌ای به وجود می‌آید. ترسیم نقشه راه دیپلماسی عمومی از این جهت اهمیت دارد که رابطه متقابل بازیگران برای حل و فصل چالش‌های فراروی کشورها را شکل خواهد داد. دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران نیازمند همبستگی در ساختار داخلی و بهره‌گیری از نقشه راه نسبتاً یکسانی برای پیشبرد الگوهای همکاری جویانه بین بازیگران نامتجانس خواهد بود. بهره‌گیری از قالب‌های گفتمانی مبتنی بر کنش همکاری جویانه، زمینه شکل‌گیری «بازنمودها»^۱، «سمبل‌ها»^۲ و «قواعد اجرایی» برای حل و فصل موضوعات اختلاف‌برانگیز را فراهم می‌سازد. هر گفتمانی در سازوکارهای دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران از قابلیت لازم برای اثرگذاری در فضای کنش ارتباطی با الگوی تعاملی برخوردار خواهد بود. در فضای پسابرجامی، دیپلماسی عمومی ایران مبتنی بر سازوکارهای کنش چندجانبه بوده است. در این فرایند، تلاش ایران برای حداقل‌سازی تهدیدات اقتصادی ناشی از اعاده تحریم‌های پسابرجامی شکل گرفت و تأثیر خود را در فضای اقتصاد سیاسی ایران به جا گذاشت. در پایان اگر خواسته شود، رابطه معناداری بین گفتمان‌های سیاست خارجی ایران و فرایند دیپلماسی هسته‌ای تبیین گردد، این جمع‌بندی به دست می‌آید که سه گفتمان در فضای برجامی و پسابرجامی شکل گرفته است.

1. Representations

2. Symbols

منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف. دانش سیاسی، شماره ۵، ص ۲۰۶-۱۷۹.
- پازکیان، اسدالله؛ آذین، احمد؛ جعفری‌نژاد، مسعود (۱۳۹۸). ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰ (شماره فوق‌العاده). پوراحمدی، حسین و همکاران (۱۳۸۹). دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه.
- خادم‌زاده، جواد؛ ایزدی، جهانبخش؛ سلطانی، علیرضا (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی، ۹ (۳۴).
- داداندیش، پروین؛ احدی، افسانه (۱۳۹۰). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. روابط خارجی، ۳ (۹)، ص ۱۷۳-۱۴۳.
- رحمانی، منصور (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۶ (۱۵)، ص ۶۳-۹۰.
- سازمند، بهاره؛ براتی، مسعود (۱۳۹۳). الزامات و چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در عصر جهانی شدن. تهران: انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
- سلیمی‌بنی، صادق؛ مجاورشیرخان، محمد (۱۳۹۲). جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها. پژوهش در تاریخ، ۴ (۳).
- نیک‌آیین، احسان‌الله (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین‌الملل. سیاست خارجی، شماره ۸۸.
- هادیان، ناصر؛ بلورچی، محمدعلی (۱۳۹۳). دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسلمانان انگلیس (۱۳۹۲-۱۳۸۴). سیاست خارجی، ۲۸ (۱)، ص ۹۸-۷۱.
- Al-Dawsari, N. (2021). *Running around in Circles: How Saudi government is Losing Its War in Yemen to Iran*. Washington, D.C: MEI.
- Biden, J. (2020). Why America Must Lead Again; Rescuing U.S. Foreign Policy after Trump. *Foreign Affairs*, 99(2).
- Brehony, N. (2020). War in Yemen: No End in Sight as the State Disintegrates. *Asian Affairs*, 51(3): p.510-27.
- Chehayeb, K. (2021). Lebanon Minister Kordahi Resigns to Resolve Saudi government Dispute. *Al Jazeera*. URL= <https://www.aljazeera.com/news/2021/12/3/lebanon-minister-kordahi-resigns-to-resolve-saudi-arabia-spat>.
- Erdbrink, T. (2013). Once an Outcast, Iranian Minister Hope of Easing Tensions. *New York Times*. URL= <https://www.nytimes.com/2013/08/27/world/middleeast/irans-pick-for-nuclear-talks-carries>

hope-of-eased-tensions.html.

- Felter, J. & Brian, F. (2008). *Iranian Strategy in Iraq: Politics and Other Means*, New York: West Point.
- Guido, S. (2021). The axis of resistance: Iran's expansion in the Middle East is hitting a wall. *SWP Research Paper*, No. 6.
- Henderson, S. (2022). *Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism*. URL=<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism>.
- Kahn, J. (2014). Iran Lures Investors Seeing Nuclear Deal End Sanctions. *Bloomberg*. URL=<https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-08-17/iran-lures-investors-seeing-nuclear-deal-ending-sanctions>.
- Katzman, K. (2021). Iran's Foreign and Defense Policies. *Congressional research service*. URL=<https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R44017/80>.
- Landale, J. (19 November 2021). Hamas to be Declared a Terrorist Group by UK. *BBC News*. URL=<https://www.bbc.com/news/uk-59346441>
- Lawlor, K., Zach, C. & Dylan, Y. (2021). *Iran's Axis of resistance activity*. Washington: Institute for the Study of War. URL=<https://understandingwar.org/sites/default/files/IAORIR%202021.10.22%20ISW.pdf>.
- Mallett, E. (2021). *Iran: US policy of 'maximum pressure' has failed; why the west needs to re-engage Tehran*. URL=<https://theconversation.com/iran-us-policy-of-maximum-pressure-has-failed-why-the-west-needs-to-re-engage-tehran-153011>
- Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 13(4).
- Nye, J. (2002). *The information revolution and American soft power*. URL=<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13439000220141596>.
- Obama, B. (2015). *UN: Leaders' Summit to Counter ISIL and Violent Extremism*. Washington DC: US department of State Publication.
- Pollack, K.M. (2014). An Army to Defeat Assad: How to Turn Syria's Opposition in to a Real Fighting Force. *Foreign Affairs*, 93(5): p. 110-124.
- Zach, C. (2021). Iran's Axis of Resistance in Activity: Accelerated Saudi Pressure Campaign Threatens Lebanese Hezbollah. *In Review*, No. 8.